

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌میسری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره ۱۲۰۵۲۷۶صَفحه ۸۸۹۲۵۶۴۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترک‌کین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترت

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۴ • ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۷ • ۱۰ داسمبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۷۶ • صفحه ۱۲۰صَفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۷ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۷:۰۴

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

یادداشت

رنگ پاشی سیاسی!

و حیدمتمندنژاد

مفهوم رنگ فراتر از جلوه بصری، نقش بیشتری در رفتار و تصمیم هر فرد از خود به جا می‌گذارد؛ تا جایی که با پردازش ایده‌ها سعی در «به‌گزینی» کالا و پذیرش رأی و نظری همسو با تمایلات شخصی دارد. در این زمینه انتخاب رنگ در میدان سیاست نمادی از جذب مخاطب خاص برای بازگیری است، چه در انتخابات و چه در صحنه‌های اجتماعی که هر دو با خروجی مشترکی هدف‌گذاری می‌شود؛ چه آنجا که هنگام انتخابات رنگ منظر جناح‌ها و دسته‌های سیاسی زمینه شعار تبلیغاتی آنهاست و چه آنجایی که در گروه دوم بر پایه مدگرایی، سعی در فروش بیشتر دارد. به عبارتی «کنز جمعی» در این دو نظریه به دنبال ایجاد زمینه مناسبی در راستای تحقق ایده و تفکری همخوان با خواسته‌های خویش هستند تا نوعی از محل «اجرای اندیشه» مدار رشد و توسعه در هر دو حوزه مذکور به درجه قابل قبول ارتقا یابد. جالش سیم‌کارت سفید که در روزهای اخیر سرلوحه شبکه‌های اجتماعی است، از این منظر قابل تعمق و بررسی است. تفکیک طبقاتی در هر حوزه‌ای با رویکرد سیاسی و اجتماعی نشان از واقعیت‌های هر جامعه‌ای دارد که شاخص‌های قدرت براساس آن تعریف می‌شود. موضوع سیم‌کارت سفید خارج از امتیازبخشی به فرد یا شخص خاصی، نشان از تفکیک جامعه به دو بخش متفاوت دارد؛ ازجمله تقسیم‌بندی نظام سیاسی و اجتماعی که هر سوی آن سعی در تحمیل نظرات خویش دارند و هیچ‌گاه در سال‌های اخیر در «زیست هم‌جواری» طی طریق نکرده‌اند. این پدیده نموداری است که هر لحظه در زمان‌های گوناگون بنا بر اعمال فشارهای سیاسی بر جامعه ایرانی سیر رشد منطقی در همه حوزه‌ها را ترسیم کرده و به اشکال گوناگون چالش‌های سیاسی متفاوتی را برای نظام به همراه داشته است. فاصله طبقاتی با رویکرد ارتباطات که فرد از اطلاع و تحلیل خبر به دور می‌ماند، جامعه را در شرایطی نابرابر قرار می‌دهد. ایسن نابرابری در حوزه‌های گوناگون تأثیر خود را به جا می‌گذارد؛ از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در جنبه‌های مختلف که به کندی می‌گراید تا ارتباطات جهانی که «جامعه معذور» را در معرض ناخودآگاهی قرار می‌دهد و زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. در چنین بزرنگاهی است که دولت‌ها، تصمیم‌هایی را دیکته می‌کنند، غافل از آنکه پدیده «تخته سیاه قابل زایش» در نسل جدید جای خود را به «شیشه‌نگاری وضوح» در کلاس درس سیاست داده است. تعبیر تغییر رنگ سیاه به سفید که در سخنان اخیر دکتر پزشکیان با مضمون «تمام سفیدها را سیاه می‌کنم» بر پایه همین شفاف‌سازی اجتماعی است که تعویض فیلتر سیاه سیاست را از سوی ایشان می‌طلبد. نقطه مقابل این تعبیر جامعه‌منظری است که سال‌های متمادی از رنگ‌پاشی سیاست که به‌اجبار جامعه‌ای منقوش به تن کرده، از وحدت رنگ‌ها در مسیر نازیبای زندگی طرفی نبسته است و همیشه انتظار را بر لوح فکر و اندیشه خود در حد ترسیم رؤیاهای بهره خیالی برده است. برخورداری از چنین قایب چنانچه کج‌معموج بر دیواره اجتماع ننشیند، آن سوی دیوار را با چالش‌های جدی‌تری همراه خواهد کرد و بدیهی است که در شرایط کنونی ایران هیچ رنگی، سیاست خط‌خطی کنونی را رنگین نمی‌کند، حتی تفکیک سیاه از سفید….

خاطره‌خوانی

کارگردان مارمولک و اشغال سفارت

کمال تبریزی در گفت‌وگویی با ایسنا، درباره چگونگی حضورش در زمان تسخیر سفارت آمریکا توضیح داد و گفت: «من در آن زمان دانشجوی کمیته فیلم و عکس دانشگاه پلی‌تکنیک (امیرکبیر فعلی) بودم. خیلی هم وارد حیطه‌های سیاسی نمی‌شدم و در کمیته فیلم‌های هنری کار می‌کردیم. ما در مقابل گروه‌های چپ دانشگاه، جزء گروه‌های معتدل مسلمان دانشگاه بودیم، آنها فیلم‌های شوروی سابق را نمایش می‌دادند و ما هم فیلم‌هایی که مفاهیم ضدکمونیستی و ضدسوسیالیستی داشت نمایش می‌دادیم. با هم تقابل داشتیم ولی رفاقت‌های خود را هم داشتیم تا اینکه این جریان سیاسی اتفاق افتاد و اگر در آن کمیته فیلم و عکس نبودم، هیچ‌گاه از دعوت نمی‌گردند که همراهشان شوم».

زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه رفیعی دارد؛ جمله

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران که «از دامن زن مرد به معراج می‌رود» فقط شعار نیست و باید راهبردی کلی و به عنوان سیاست کلی نظام تلقی شود. در مقدمه قانون اساسی که در تفسیر این متن همواره باید مد نظر باشد، آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را بازمی‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفاي حقوق آنان بیشتر خواهد بود… زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (ششینی‌بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه‌خاطر و پیراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود مهر‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خترپذیر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود».

علاوه بر این، در اصل رسوم بر تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عمووم در برابر قانون، در اصل دهم بر استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی، در اصل نوزدهم بر حقوق مساوی مردم ایران از هر قوم و قبیله و نژاد و رنگ، در اصل بیستم بر حمایت یکسان قانون از همه افراد اعم از زن و مرد و در اصل بیست‌ویکم بر تکلیف دولت به تأمین حقوق زن در تمامی جهات از جمله احیای حقوق مادی و معنوی او، حمایت از مادران در دوران بارداری و حضانت فرزند و ایجاد نظام بیمه خاص، تأکید شده است. این نگاه در «سیاست‌های کلی خانواده» (ابلاغ‌شده در ۱۳ شهریور ۱۳۹۵) نیز دیده می‌شود. در بند چهارم این راهبردها بر «وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی» و همچنین در بند هفتم، «بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و



«مسجدسید» اصفهان یکی از بناهای باشکوه دوران قاجار در اصفهان است که تحت تأثیرفره‌نشت در وضعیت هشدار قرار گرفته و ترک خوردن طاق، گنبد و ایوان‌ها، این بنای تاریخی را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است. این مسجد که به دلیل معماری باشکوه، گنبدها، شش‌تانه‌ها، ایوان‌ها و کاشی‌کاری‌های ارزشمندش شناخته می‌شود، به دلیل نبود رسیدگی مناسب در آستانه تخریب قرار گرفته است. عکس: مرتضی صالحی، تسنیم

زنان، مهریه و پیامدهای بی‌توجهی مجلس



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

رویه‌های قضائی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل‌وفصل دعای در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعای خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده، مورد توصیه قرار گرفته است. به‌تازگی نیز در «سیاست‌های کلی برنامه هفتم» (ابلاغ‌شده در ۲۰ شهریور ۱۴۰۱) به تحکیم نهاد خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی بانوان، پرداخته شد. پیش از ورود به بررسی فنی اصلاح اخیر قانون در مجلس شورای اسلامی، دو نکته را باید در نظر داشت: اول اینکه ساده‌انگاری است پدیده «مهریه» را در یک شرط ضمن عقد نکاح و موضوعی مربوط به حقوق خانواده و مسائل زنشونیی خلاصه کنیم. مهریه سرریز مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه امروز ایران و برآیند بردارهای ناکارآمدی در حل مشکلات است. و دوم اصلاحات در صورت نهایی شدن، فقط محدود به مهریه نیست و بسا تغییرات در «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» (۱۳۹۴) باید دیگر بدیه‌ها نیز با شرایطی سرسری خواهد کرد. عنوان متن تصویب‌شده در جلسه علنی روز چهارشنبه ۱۴ آذر، «طرح اصلاح موادی از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون مدنی» بود که علاوه بر اینکه سقف مسأده ۲۴ «قانون حمایت خانواده» (۱۳۹۱) را از ۱۱۰ سکه تمام‌بهار آزادی به ۱۴ سکه تمام‌بهار آزادی کاهش می‌دهد، چهار تبصره (به ترتیب از سه

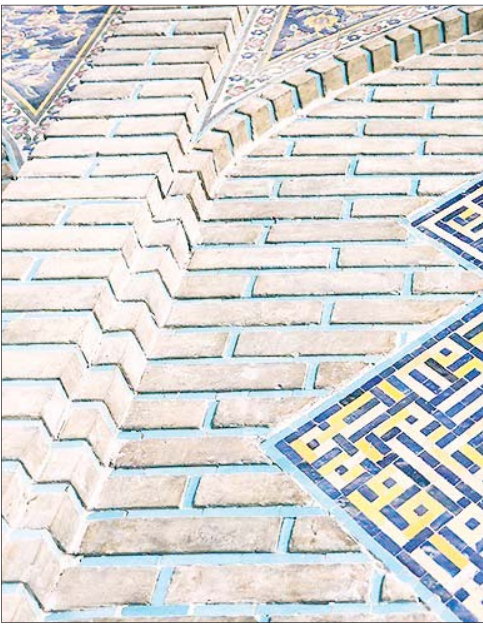
تحلیل خوانی

جستاری در فضا و مکان با برداشتی از منظر بهرام شیردل



فاروق مظلومی

گرفت که این سیستم دربرگرفتن یا دربرگرفته‌شدن می‌تواند پایان‌ناپذیر باشد. این نگاه شیردل که فضا چیزی نیست بین بقیه چیزها، ما را به نگاه ژیل ملوز (و گاهی هانری لوفور) در مورد فضا می‌رساند که معتقد بود فضا چیزی نیست که داشته باشیم، بلکه باید آن را بسازیم. در اینجا می‌توان به تفاوتی مهم بین این نگاه به فضا با نگاه کلاسیک به آن (نگاه ارسطو، افلاطون و نیوتن) رسید که فضا را ظرفی برای مظرّف می‌دانستند. ارسطو فضا را چیزی مستقل از اشیا نمی‌دانست و لاینیتس هم فضا را محصول روابط اشیا می‌دانست. نظر لاینیتس در مورد فضا می‌تواند در یک دگردیسی به نظری که فضا را ظرف نمی‌داند نزدیک شود. شیردل تبیینی دیگر برای فضا و مکان دارد. مکان در یک دگردیسی توسط معماری با هنرمند به فضا تبدیل می‌شود. البته محدودیت‌های معماری، این کار را در مقایسه با هنرمند پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌کند. اگر بخواهیم مکان را هم فضا در نظر بگیریم، یعنی به همان اشتباهی که خیلی‌ها آن داده‌اند تن بدیهم، باید بگوییم مکان، فضای مخاطب و مصرف‌کننده است، نه معماری. معماری مؤلف فضااست. فضای معماری، فضای تألیفی در مکان است و می‌شود در مورد ابزار تألیف گفت‌وگو کرد که مثلا پرسپکتیو در معماری رئالیسم از ابزار تألیف مهم بود است. معماران فولد مثل آقای شیردل این ابزار را برای تألیف فضا درست نمی‌دانند؛ چون موجب آسنداد در فضا می‌شود. حالا این سؤال پیش می‌آید که وقتی یک سازه مسکونی معمارانه با همان تعریف ابداع ساختار، تحویل مصرف‌کننده داده می‌شود، مبدع ساختار فضایی مستتر در این مکان کجا می‌رود؟ آیا همچنان به تئوری مرگ مؤلف از رولان بارت در ادبیات رسیده‌ایم. اگر بپذیریم که فضا یک ساختار غیرقابل رؤیت است که در میدانی از نیروها و حس‌ها ابداع می‌شود و



«مسجدسید» اصفهان یکی از بناهای باشکوه دوران قاجار در اصفهان است که تحت تأثیرفره‌نشت در وضعیت هشدار قرار گرفته و ترک خوردن طاق، گنبد و ایوان‌ها، این بنای تاریخی را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است. این مسجد که به دلیل معماری باشکوه، گنبدها، شش‌تانه‌ها، ایوان‌ها و کاشی‌کاری‌های ارزشمندش شناخته می‌شود، به دلیل نبود رسیدگی مناسب در آستانه تخریب قرار گرفته است. عکس: مرتضی صالحی، تسنیم

تا ششش) نیز به ماده ۳ «قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی» اضافه می‌کند که به ترتیب بررسی می‌کنیم. نخست، تبصره سوم «مراد از حبس در این قانون اعم از «نگهداری شخص در زندان» یا «محدودکردن شخص با استفاده از نظارت سامانه‌های الکترونیکی» است؛ در نتیجه فرد محکوم به پرداخت مهریه در زندان نمی‌ماند و با استفاده از سازوکاری که در «قانون آیین دادرسی کیفری» (۱۳۹۲) برای زندانیان کم‌خطر پیش‌بینی شده، با پایند الکترونیکی از حبس خارج می‌شود که به نوعی کاهش ضمانت اجرای وصول مهریه است. دوم، تبصره چهارم «در مواردی که محکوم‌علیه به ازای دین، مالی دریافت نکرده مانند مهریه، دیه، خسارات ناشی از جرائم غیرعمدی یا ضمان قهری، صرفا نظارت سامانه‌های الکترونیکی اعمال می‌شود»؛ همان‌گونه‌که از متن برمی‌آید این اصلاحیه فراتر از مهریه بوده و شامل دیگر محکومین مالی مثل جرائم غیرعمدی هم خواهد شد. سوم، تبصره پنجم «اجرای نظارت سامانه‌های الکترونیکی درخصوص رد مال در محکومیت‌های کیفری تابع شرایط مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ /۱۲ /۰۴ است»؛ اشاره به سازوکار اجرای پایند الکترونیکی که اساسا مقوله‌ای مربوط به حقوق کیفری به شمار می‌رود و نه مدنی، چهارم، تبصره ششم «آیین‌نامه اجرایی این ماده و تبصره‌های ذیل آن ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراشدن این قانون توسط وزارت دادگستری با همکاری سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد»؛ باید منتظر ماند و دید که در آیین‌نامه چه روشی برای عملیاتی‌کردن موضوع پیش‌بینی خواهد شد. به طور خلاصه اگر این مصوبه در نهایت با تأیید شورای نگهبان به قانون تبدیل شود، مهریه از مدار نظام خانواده در ایران خارج شده است که با اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی خانواده سازگاری ندارد.

اتفاق خوانی

دی‌کاپریو شخصیت سال

تایم در سرگرمی شد

تایم، لئوناردو دی‌کاپریو را به‌عنوان «شخصیت سال سرگرمی ۲۰۲۵» معرفی کرده است؛ عنوانی که تجلیل از یک سینماگر استثنائی و تأثیر ماندگار او در فرهنگ جهانی محسوب می‌شود. این انتخاب علاوه بر قدردانی از موفقیت اخیر او در فیلم «نبردی بعد از نبردی دیگر» توجهی به بیش از سه دهه حضور حرفه‌ای، خلاقیت و انسجام در مسیر سینمایی اوست.

دی‌کاپریو که در ۱۵ سالگی با تماشای انبوهی از نوارهای VHS شروع به آموزش خودش در تاریخ سینما کرد، مسیر طولانی و تأثیرگذاری را آغاز کرد. همان زمان بود که نقش مقابل رابرت دنیرو را در سال (۱۹۹۳) به دست آورد و به این ترتیب اولین گام‌های جدی در مسیر بازیگری را برداشت. در این سال‌ها، او نقش‌هایی را پذیرفت که شاید در نگاه اول انتخاب‌های اشتباهی به نظر می‌رسیدند، اما در نهایت به انتخاب‌هایی که کاملا درست تبدیل شدند؛ انتخاب‌هایی که نشان‌دهنده شهود حرفه‌ای و درک بالای او از نقش‌ها و پروژه‌هایی بودند که ارزش سرمایه‌گذاری دارند. دی‌کاپریو از حضور در تایتلیک تا گرگ وال‌استریت بارها توانسته توجه تماشاگران را به خود جلب کند. این استمرار در جذب مخاطب و خلق تجربه‌های به‌یادماندنی باعث شده که مخاطبان حتی اکنون که بیش از ۳۰ سال از آغاز کارش می‌گذرد، همچنان مشتاق دیدن او باشند. فیلم جدیدش، که او را در نقش یک پدر میانیال، ست‌و‌چوگو دختر گمشده‌اش نشان می‌دهد، نه‌فقط به‌خاطر بازی قوی‌اش بلکه به‌خاطر نوع جدیدی از روایتگری تحسین شده است. این فیلم که به مسائل اجتماعی و قطب‌بندی‌های سیاسی در جامعه امروز می‌پردازد، نمونه‌ای از جسارت دی‌کاپریو در انتخاب پروژه‌های ناوراثانه است. پروژه‌هایی که ریسک بیشتری نسبت به آثار پرطرفدار و تجاری دارند اما پتانسیل ایجاد گفت‌وگوی فرهنگی را دارند. دی‌کاپریو در مصاحبه با تایم درباره حرفه خود برای حفظ تعادل میان شهرت و حریم شخصی سخن گفته است. «بناور دارم که هر برای دانستن یک حرفه طولانی، باید وقتی چیزی برای گفتن یا اشتراک‌گذاری دارد خود را ظاهر کند و در بقیه زمان‌ها از دید عموم کم‌وبیش دور باشد. این رویکرد باعث شده او بتواند برای مدت طولانی در صدر توجهات باشد بدون آنکه بینندگان از دیدن او خسته شوند.

به گزارش تایم، دی‌کاپریو دقیقا از مصاحبه‌کردن فرام نمی‌کند، اما کمتر از چیزی که تصور می‌شود مصاحبه انجام می‌دهد. این‌بار هم، وقتی در یک روز اکتبر -آن هم درحالی‌که در حال بهبود از آنفلوآنزاست- برای صحبت می‌نشینیم، توضیح می‌دهد چرا تا این اندازه برای فیلم جدیدش اهمیت قائل است. او می‌گوید: «مدت‌هاست به این فکر می‌کنم که چقدر کم پیش می‌آید داستانی کاملا اصیل داشته باشیم؛ بدون ارتباط با تاریخ، بدون شخصیت‌های قبلی، بدون ژانر مشخص، بدون خون‌آشام، بدون روح، بدون هیچ چیز. بازی استودیو یک ریسک بود که چنین پروژه‌ای را قبول کند و فکر می‌کنم روی جذابیت سبک روایت پل (اندرسون) و آن اصالت بی‌پروا در فرایند کاری‌اش حساب کرده‌اند». دی‌کاپریو همچنین از تعهد عمیق خود نسبت به مسائل انسانی و محیط‌زیستی سخن گفته است. او در سال ۲۰۲۱ با گروهی از دانشمندان حفاظت‌گر سازمانی به نام Rewild تأسیس کرد تا با جوامع بومی همکاری و مسیرهای پایدار برای حفظ تنوع زیستی و مقابله با تغییرات اقلیمی ایجاد کند. این فعالیت‌ها نشان‌دهنده اهمیت «انسانیت» در زندگی حرفه‌ای و شخصی اوست؛ مفهومی که دی‌کاپریو آن را نه‌فقط در حرفه بازیگری، بلکه در زندگی به‌عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر از هنر و تأثیرگذاری می‌بیند. دی‌کاپریو همچنین درباره هوش مصنوعی گفت: «این فناوری می‌تواند ابزاری کمکی برای یک فیلم‌ساز جوان باشد تا کاری خلق کند که پیش از این ندیده‌ایم. اما هر چیزی که قرار است به‌طور واقعی هنر تلقی شود، باید از انسان سرچشمه بگیرد. حتی آثار درخشان تولیدشده با هوش مصنوعی بعد از ۱۵ دقیقه شهرت، در زباله‌های اینترنتی محو می‌شود. هیچ ریشه و اتصالی ندارد و هیچ انسانیتی در آن نیست، حتی اگر درخشان باشد». در نهایت، انتخاب دی‌کاپریو به‌عنوان «شخصیت سال سرگرمی» یادآور تصویری است که طی این سال‌ها از یک ستاره سینمایی خلق کرد. او بیش از اینکه صرفا بازیگر باشد، نماد پایداری، تعهد و خلاقیت در هنر هفتم محسوب می‌شود.

یک تالاب

رئیس اداره محیط زیست ورامین در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد تالاب بندعلیخان خشک شده است. او گفت: «این تالاب اکنون بدون آب است و این وضعیت نتیجه مستقیم بی‌توجهی به حقایق زیستی و عدم اجرای مصوبات جلسات متعدد است». خشک‌شدن تالاب نتیجه ترکیبی از کاهش بارندگی، خشک‌سالی و برداشت‌های سنگین بالادست بوده است. حتی اگر بارش‌های زمستانی هر رخ دهد، اولویت نخست تأمین آب مزارع کندم و جو خواهد بود و تالاب عملا در اولویت نیست.

یک

۱۵۰ میلیون سال

رد پای دایناسوری متعلق به ۱۵۰ میلیون سال پیش کشف شده که احتمالا چار معلولیت بوده و پاهای چپ و راستش با هم فرق داشته است. ردپاهای فسیلی دایناسور نشان می‌دهد این غول باستانی احتمالا یک سمت بدن خود را نسبت به سمت دیگر ترجیح می‌داده است. مسیر ردپاها حدود ۹۵ متر طول دارد و به‌جای خط مستقیم، به صورت یک منحنی ظریف و پیچیده دیده می‌شود. این ردپاها احتمالا متعلق به یک سورویبود هستند.